

امان از این دخترک شیطان!

نگاهی به شخصیت‌پردازی در رمان «پی‌پی جوراب بلند»

O ترجمه: مریم واعظی

طرح: پی‌پی جوراب بلند، در یازده رویداد متفاوت، رفتار مرسوم سنتی را به شکل خنده‌آوری نقض می‌کند. پی‌پی با ظاهری غیرعادی، دختری یتیم است که در خانه‌ای به نام ویلا ویکلولا، همراه میمونش (آقای نلسون)^۱ زندگی می‌کند و اسب سفیدی را نیز در ایوان خانه نگه می‌دارد. او با همسایگانش، تامی^۲ و آنیکا^۳ استرگرن، دوست می‌شود. پی‌پی به آن‌ها یاد می‌دهد که چگونه «چیز پیدا کن» شوند و سپس به آن‌ها می‌آموزد چه طوری از آن چه یافته‌اند، لذت ببرند. او هم چنین، نیروی فوق‌العاده‌اش را آشکار می‌کند. زمانی از پسر بچه‌ای حمایت می‌کند و رهبر دار و دسته زورگو را بر شاخه درختی می‌آویزد. چندی بعد، وقتی دو مأمور پلیس می‌آیند تا او را به پرورشگاهی ببرند، او با بازی گرگم به هوا، آن دو را به ریشخند می‌گیرد و سپس آن‌ها



را از کمربندهای شان می‌گیرد و بلند می‌کند. بدین ترتیب، آن‌ها به سرعت متقاعد می‌شوند که او توانایی اداره زندگی‌اش را دارد. وقتی پی‌پی به مدرسه می‌رود، خیلی حرف می‌زند و چنان بدرفتار می‌کند که معلم به او می‌گوید، دیگر حق ندارد به مدرسه بیاید. پی‌پی در ماجرای بعدی، تامی و آنیکا استرگرن را به پیک نیک می‌برد و به آن‌ها نشان می‌دهد که چگونه می‌تواند از بودن در تنه توخالی درخت لذت ببرند. هم‌چنین برای حمایت از تامی در مقابل گاو نر خشمگین، شاخ‌های گاو را می‌شکند و بر پشت آن سوار می‌شود. در ضمن، با تامی و آنیکا به سیرک می‌رود و با شکست دادن مردی قوی، مقداری پول جایزه می‌گیرد. پی‌پی سپس دو ولگرد را که می‌کوشند طلاهای او را بدزدند، وامی‌دارد با او پولکا برقصند و پیش از آن که راهی‌شان کند، به هریک سکه‌ای طلا می‌دهد. او می‌گوید که آن‌ها استحقاق آن را داشته‌اند.

پی‌پی وقتی به مهمانی عصرانه خانم استرگرن می‌رود، در تلاش این که مدرز باشد، چهره‌اش را با مداد شمعی آرایش می‌کند. در آن جا از او رفتارهای نادرست سر می‌زند. تمام کیک‌ها را می‌خورد و داستان‌های عجیب و غریب تعریف می‌کند. خانم استرگرن به او می‌گوید که دیگر به هیچ‌وجه حق ندارد به آن‌جا بیاید. در رویداد بعدی، پی‌پی برتری خود را به بزرگسالان ثابت می‌کند. او با رفتن به ساختمان آتش گرفته و سپس با نجات دو کودک گرفتار، هوشمندی و ابتکار عملش را آشکار می‌کند. پی‌پی در آخرین رویداد، تامی و آنیکا را به جشن تولدش دعوت می‌کند و به آن‌ها هدایایی می‌دهد. در ضمن، با گفتن دروغ‌هایی درباره آفاق زیرشیروانی پر از ارواح، آن‌ها را می‌ترساند. سپس با شلیک گلوله، سوراخی در سقف ایجاد می‌کند و آن‌ها را با تعدادی تپانچه، به خانه‌شان می‌فرستد تا اگر خواستند، در بزرگسالی بتوانند دزد دریایی شوند.

شخصیت‌ها: پی‌پی تنها شخصیت پرداخت شده داستان است. دوستانش و بزرگسالان داستان، شخصیت‌های دوگانه‌ای هستند که فقط شخصیت نامتعارف را او می‌نمایانند. پی‌پی جوراب بلند، کسی است که بر نام واقعی‌اش، پی‌پی لوتا دلیکتا ویندو شید مکر لمینت اِفریمز دوتر لانک استوکینگ^۵ اصرار می‌ورزد. او تیمی نه ساله است. پی‌پی می‌گوید، وقتی نو پا بوده، مادرش مرده و اکنون فرشته‌ای در آسمان است. پدرش ناخدایی بوده که به دریا افتاده، ولی توانسته است با شنا کردن، خود را به ساحل جزیره آدمخواران برساند و در آن جا شاه شود.

ظاهر پی‌پی دیدنی است. موهای قرمزش را طوری با دو قیطان می‌بافد که هم‌چون چوبی صاف، از دو طرف سرش بیرون می‌زند. بینی‌اش کک‌ومکی و شبیه یک سیب زمینی کوچک است.

دهان گشاد است و دندان‌هایی سالم دارد. وقتی لباس آبی‌اش را می‌دوخت تا بپوشد، پارچه‌اش کم آمد. بنابراین، آن را با پارچه قرمز در هر جا که دلش خواست، تکمیل کرد. پی‌پی جوراب‌های ساقه بلندی می‌پوشد که یک نگاه‌اش مشکی و دیگری قهوه‌ای است. کفش‌های سیاهش درست دو برابر پاهایش است. او چمدانی پر از طلا دارد. میمونش (آقای نلسون) که پدرش به او داده، اغلب بر دوشش سوار است.

شخصیت و رفتار پی‌پی، حتی از ظاهرش چشمگیرتر است. او مستقل، غیرقابل پیش‌بینی، غیر متعارف، ثروتمند، خلاق، قوی و با شهامت است. ویژگی‌های پی‌پی، فرافکنی نهفته‌ترین آرزوی هر کودک است؛ خودکفا و بی‌توجه به قوانین بزرگسالان. پی‌پی ادعا می‌کند که قوی‌ترین دختر دنیا است؛ چون هرکاری که دلش بخواهد، انجام می‌دهد. به عنوان نمونه، زوربازویش بر پلیس‌هایی می‌چربد که می‌کوشیدند او را به پرورشگاهی ببرند. در واقع، او بسیار قوی است؛ زیرا اسبش را در ایوان نگه می‌دارد و هر وقت می‌خواهد سوارش شود، او را بلند می‌کند و پایین می‌گذارد. حرف‌های بی‌معنی و گسیخته، اما بسیار بامزه است، او برای تحقیر پلیس‌ها با ترفندی، آن‌ها را با خود به بازی گرم به هوا می‌کشانند. پی‌پی به جای آن که مانند بزرگسالان، خودش را ببازد، به طور تحسین‌برانگیزی، در خانه آتش گرفته، هوشمندانه عمل می‌کند. از اشیای ساده پلی می‌سازد و کودکان را نجات می‌دهد. از پی‌پی هرگز رفتارهای عادی سر نمی‌زند. او وقتی می‌خواهد، پاهایش را روی بالش و سرش را زیر پتو می‌گذارد. او عاشق ایستادن در زیر



ناودان و شستن سرش در استخر است. در مهمانی خانم استرگرن، همه کیک‌ها را می‌خورد. صورتش را در شیرینی خامه‌ای فرو می‌کند. او مستعد دروغ‌گویی است و چنان که شادمانه اذعان می‌دارد، از داستان‌های تخیلی لذت می‌برد.

پی‌پی گرچه بر بزرگسالان تفوق می‌یابد، برخی اوقات، بسیار کودک است. او فاقد ذوق هنری است. و این امر وقتی نمود می‌یابد که او به قدری از مداد شمعی در آرایش چشمانش استفاده می‌کند که به جای مد روز شدن، ترسناک می‌شود. افزون بر آن، او در یادگیری درس‌های عادی مدرسه، ناتوان است. از این رو، درست شمارش نمی‌کند و در نوشتن ضعف دارد. با این همه، پی‌پی از امتیازات برجسته‌ای هم برخوردار است. او به رعایت انصاف و تحقیر زورگویان اعتقاد دارد. هم‌چنین، در تبدیل کارهای عادی روزمره، به بازی و سرگرمی مبتکر است (برای مثال، وقتی می‌خواهد کف آشپزخانه را بشوید، برس کف شو را زیر پایش می‌گذارد و با آن اسکیت بازی می‌کند. هم‌چنین پی‌پی گشاده دست است و موجودی بی‌انتهای گنجینه‌هایش را بدون حساسیت و وابستگی معمول دختران، سخاوتمندانه می‌بخشد. پی‌پی فراموش نشدنی است؛ زیرا سرانجام خود را به ادعایش که «من همیشه در اوج هستم»، می‌رساند. همسایگان پی‌پی، تضاد چشمگیری با او دارند. آن‌ها کودکانی متعارف تربیت یافته و حرف‌شنو هستند که با هم به خوبی بازی می‌کنند. تام استرگرن: هرگز ناخنش را نمی‌چود و هرچه مادرش بگوید، دقیقاً همان را انجام می‌دهد. او کمی شجاع‌تر از خواهرش است. به عنوان مثال، هنگامی که به جشن تولد پی‌پی می‌رود. تمایلش را به دیدن ارواح در طبقات فوقانی خانه نشان می‌دهد؛ به خصوص که فکر می‌کند هیچ روحی جرأت ندارد به پی‌پی آسیب برساند.

آنیکا استرگرن: چون نمی‌تواند هرکاری که می‌خواهد انجام دهد، به هیچ روی جاروچنگال راه نمی‌اندازد. همیشه لباسش را تمیز نگه می‌دارد. او دختری عادی و خجالتی است که از رفتن به تنه توخالی درخت و نیز از روح‌های آفاق زیرشیروانی می‌ترسد. پی‌پی برای تامی و آنیکا راه‌گریزی موقتی از قوانین زندگی متعارف اقدار متوسط، تدارک می‌بیند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. Villa Ville kula
۲. Mr. Nilsson
۳. Tommy
۴. Annika settergren
۵. pippilotta Delicatessa
- window shade Mackrelmint
- Efraim's Daughter longstocking